

## گرتو قرآن برین نمط خوانی !



بخش اول فصل سوم:

### وقتی تاریخ راجلادان مینویسند !

**آورده اند** که نا خوش آوازی به بانگ بلند قرآن میخواند صاحب‌دلی بر او بگذشت گفت: « ترا مشا هره چند است؟ » گفت " هیچ ! " گفت : پس بر این زحمت خود چند درهمی می ستائی؟ گفت : " از بهر خدا می خوانم " گفت بهر خدا مخوان ! " گر تو برین نمط خوانی ببری رونق مسلمانی !  
قبل از این ، به گرات و به انحاء مختلف خدمت خواننده گان عزیز به عرض رسانده ایم که اختیار دار این قلم نا قابل فقط خود مان هستیم و هیچگاه التزام نداریم و نداده ایم که وارد هر بحثی شده و اوقات گرانبهای شما را بر آن بگیریم ، اما بعضی وقتها ، خواننده گان عزیز به قدری پیغام می فرستند و به اندازه ای طرح سوال می فرمایند که اینگار میزان حافظه این قلم نیز در لای مافیای فراموشی رفته باشد!



فی المثل همین سخنان یکی از بزرگترین رجالی که از تربیون مافیائی موسوم به کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان و پس از سالها غیابت و مراقبه در باب فضائل انتخابات بیان فرمود و روی همین منظور با حضور در کمیسیون انتخابات مانیفیست انتخاباتی اش را نیز تقدیم کمیسیون انتخابات نمودند :

<http://www.dailymotion.com/video/x68vm34>

شاید آقای گل‌دین حکمتیار فراموش نموده و به یقین دریافته و پذیرفته است آنچه در افغانستان کنونی میگذرد هر چند به ظاهر آراسته برمرامنه های مدرن و بروز شده با شعارهای عدالت اجتماعی و اقیعت های بوده است که با خواسته های اصلی توده های فقیر و شهروندان بی نوای افغانستان انطباق دارند . چنانچه بارها خدمت همه دوستان به عرض رسانده ام ؛ کاملاً بی معنی است که عده ای از برجسته ترین مهندسان و معماران حتی براساس تکنیک بسیار برجسته و پیشرفته از بهترین و آسایش ترین خانه سخن بگویند پیش از آنکه برایتان معلوم شده باشد که خانواده ای که در آن باید سکونت کنند دارای چه سلیقه ای ، چه روحیه ها و هدفهای دارند و نیاز اصلی زندگی شان چیست آنرا با چشم کور و دماغ گچ زده قبول کنند . ! و کاملاً بی معنی خواهد بود که قبل از اینکه سرشت ، هویت ، مشخصات و جوهر خواسته های انسانی و سپس اجتماعی آنها شناخته شوند ، راه و روش و اسلوبی برای حیانتش تعیین نمود چنانچه واقعیت های کنونی زندگی مردم افغانستان نیز با شعار های مندرج در منشور های حزبی و سیاسی با روال زندگی کنونی شهروندان کشور فاصله زیادی دارند . می خواهم توجه جناب

حکمتیار و دیگر اذنانب تشکیلاتی اش را به این حقیقت مبذول دارم که دموکراسی بویژه فرآیند انتخابات یک وسیله برای تحقق مفادات ایدئولوژیک است که نه میتوان با درست برگزارکردن و حتی شفاف بودن این روند هدف و استراتژیی یک جامعه و حتی حزب معین سیاسی را که همانا تشکیل یک جامعه عادلانه و مرفه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی بوده است توجیه نمایند. چنانچه احکام استفاده و یا هم حرمت گوشت خوک را نه میتوان با انجام ظاهری مراحل ذبح شرعی پاک و تزکیه نمود و با انجام عملیه ذبح شرعی آنرا پاک و حلال وانمود ساخت.



شما تصویری را مشاهده می فرمائید که در آن احکام صریح دینی مبنی بر حرمت استفاده از گوشت خوک را فقط با انجام مراسم مذهبی و یاهم باالکتابه درج این کلیمات که « **مذبوح علی الطریقه الاسلامیه !!** » خوردن گوشت خوک یا همانا خنزیر را شرعاً جائزدانیسته است در حالیکه مصرف گوشت خنزیر با دلایل فروع علمی و بهداشتی ممنوع دانیسته شده است. آنچه در این زمینه بسیار اساسی است این است که نخست باید اهداف مانرا که همانا ایجاد یک جامعه مرفه مبتنی برعدالت عمومی اعم از فرهنگی، اجتماعی بویژه در حوزه اقتصادی بوده است مشخص نمائیم. ثانیاً برای تحقق و انجام آن اسلوب های لازم و ممکن را با توجه به شرائط فرهنگی، تاریخی و اقتصادی خویش برگزینیم و با درنظرداشت آن شرائط لازم جامعه خویش توده هارا به فرایند انتخابات دعوت نمود. چنانچه گفته شد تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی را که از پایه هاو ستون استراتژییک یک ملت وجامعه به شمار می آیند نه میتوان با اسلوب ها و شیوه های یکسان مورد اجرا قرار داد. درغیرآن دسته های ازدزدان سرگردنه، باند های ازمافیاً و تبهکاران جنایتکار دارای ضوابط بلند و به ظاهر دموکراتیک برای انتخاب سردسته ها و سر باند ها بوده اند خلاصه اینکه انتخابات و دموکراسی نوع شیوه رسیدن به اهداف دورنزدیک اند که ملتها با درنظرداشت شرائط عینی وواقیعت های تاریخی و جغرافیایوی به آن دسترسی دارند، درحالیکه به اساس فورمول اتکای منجمدانه برشیوه ها یا اسلوب های معادلات تکاملی در هستی ما را دچار یک توهم اصلی در باره شناخت تاریخ و انسان می سازد. بدون شک که اینگونه جزم اندیشی و تفکر سنگواره ای در حوزه فرهنگ و جامعه بصورت قاطع به زیان سیرونزول حرکت های ملی بویژه ازجنس مذهبی تمام میشود به هرصورت از این حرفها بسیار داشتیم که در دل تک تکی از معتقدان و مصلحان افغانستان ماند و آنها بخاطر مصلحت های ملی از افشای آن خوداری کرد. اما نباید فراموش کرد که چنین نگاه زیان آور به تاریخ و انسان اکنون در همه ارگان های جامعه و کشور مشهود است و از آنجمله در حوزه تحقق عدالت اقتصادی نیز می بینیم که چگونه در ورطهء سقوط ملت بزرگ افغانستان شده است، این است که امروز از زبانهای دردمندی و قلمهای وارسته ای می شنویم که هرگاه نگاه مان به تاریخ و زندگی تغییر پیدا نکند و به قول قرآن " **إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم** " ودرزره، زره ای از وجود مان نفیر دیگرگونی بلند نشود نه میتوان با داشتن نگاه سنگواره ای و متحجرانه به انسان و تاریخ بر دشواری های کنونی غلبه یابیم.

**عدالت انوشیروانی و صاف ساختن چشمه های بالا !**



همین امروز از تلویزیون شنیدیم که دومین متفکر جهان و رئیس جمهور منتخب مردم افغانستان حضرت محمد اشرف خان غنی (دامت برکاته) در حالیکه اصلاً در تاریخ امریکا و جهان دروغ‌گویی با این بزرگی وجود ندارد در محضر چندین ده تن از څارنوالان و فرماندهان در حالیکه خود را رئیس جمهور منتخب مردم افغانستان می خواند

<http://www.dailymotion.com/video/x68vrta>

از صاف شدن چشمه های فساد در سطح بالا و از انوشیروان که در فرهنگ ملتهای شرقی لقب انوشیروان عادل را دریافته است یاد آوری فرمودند ، اما بدنیست نخست کلپی از یک فیلم ایرانی را در باره ء دروغ گوئی به سبک حضرت اشرف غنی حضورتان تقدیم کنیم و پس از آن بر فرمایشات ناب آن حضرت مکئی کوتاهی بنمائیم .

<http://www.dailymotion.com/video/x68vqrd>

چنانچه می بینید و یاهم خواهید دید مردی که به دروغ لقب دکتری را یدک میکشید روزی نزد دختر اش داستانی را قصه کرد که شما نیز آنرا شنیدید و یاهم خواهید شنید که سراپا به دروغ استوار گردیده بود

## انوشیروان عادل یا قاتل ؟

برای اینکه سخن مان به درازا نکشد تفاوت و تمایز و همچنان تضادی که نهایتاً در نگاه های عقلانی به تاریخ و انسان در کنار مورخانی که تاریخ زندگی بشر را با روحیه توتالیتار و خود کامه نه با جوهر قلم بلکه با شمشیرهای برهنه می نویسند بسیار آرزنده بوده است . از میان مثالهای فروانی برای بیان این مسأله همانا داستان جلادی بنام انوشیروان است که در تاریخ ما بر جایگاه عدالت تکیه زده است و به غلط لقب انوشیروان عادل را کسب کرده است .

<http://www.dailymotion.com/video/x68vpn4>

جالب و سخت شگفت انگیز است که یکی از نیمچه متفکران این سرزمین بدون آنکه بداند انوشیروان کی بود و چی کارنامه های را به جاگذشته است وی را از مفاخیر تمدن والای ما می نامد...

